

## قدرت و حاکمیت در آرای سیاسی اخوان‌الصفا

غلامرضا ظریفیان

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

### چکیده

اخوان‌الصفا جماعتی سری، با گرایشات فلسفی، دینی و سیاسی بودند که در سده چهارم هجری در بصره و احتمالاً در بغداد شکل گرفتند. از این گروه بنجاه و یک رساله با عنوان رسایل اخوان‌الصفا و خلان‌الرفا بجای مانده است. درباره بستر تاریخی شکل‌گیری و معرفت‌شناسی اخوان‌الصفا محققین کم و بیش به طرح موضوع پرداخته‌اند اما در عرصه اندیشه سیاسی اخوان‌الصفا تاکنون پژوهش چندانی صورت نگرفته است. اخوان‌الصفا با توجه به شرایط زمانی و حاکمیت غلبه بر مقدرات مسلمانان بر طرح مدینه آرمانی خود می‌پردازند.

درواقع طرح مدینه فاضله اخوان‌الصفا بیش از آنکه امکان تحقق وجود داشته باشد، بیشتر معطوف به نقد آشکار و تلویحی از وضعیت موجود حاکمیت زمانه است. این مقاله به اختصار به چارچوب‌های نظریه و سیاست اخوان‌الصفا پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: قدرت، حاکمیت، اندیشه‌ی سیاسی، اخوان‌الصفا.

قرن ۴ هـ ق دوران گسترش نهضت و فرقه‌های مذهبی کلامی، فلسفی و سیاسی در جهان پهناور اسلامی است. اخوان‌الصفاء گروهی که در تاریخ عقاید و فرقه‌های اسلامی به این نام معروف شده‌اند. جماعتی سری با گرایشات فلسفی، دینی، سیاسی هستند که در سده چهارم هجری در بصره و احتمالاً در بغداد شکل گرفتند. "این گروه، در معاشرت، به الفت و در دوستی به صفا تاکید داشتند و بر پایه طهارت و نصیحت اجتماع کرده بودند سبب کار آنان این بود که می‌گفتند: شریعت با نادانها آلوده شده است و بر گمراهی‌ها در آمیخته و پاک کردن آن را به جز فلسفه نمی‌توان، زیرا فلسفه حاوی حکمت اعتقادی و مصلحت‌اجتهادی است."<sup>(۱)</sup> از این گروه که اطلاعات ناچیزی از هویت نویسندگان آن، در حد ظن و گمان بجای مانده است. پنجاه و یک رساله با عنوان رسائل اخوان‌الصفاء و خلان‌الوفا بجای مانده است. نویسندگان رساله‌ها که در اوج شکوفایی علوم و سرزمین‌های اسلامی و در یکی از کانون‌های اصلی رشد و نشر این علوم زندگی می‌کردند دانش‌های رایج در دوران خود را در رساله‌های خویش جمع‌آوری و تنظیم می‌کردند. آنان به بخش اعظم منابع علمی روزگار خود اعم از یونانی، ایرانی، مصری، هندی و.... دسترسی داشته‌اند و برداشتهای خاص خود را از این علوم در رساله‌های خویش مطرح کرده‌اند. بدین ترتیب می‌توان این رساله را از جمله نخستین دایره‌المعارف‌های علمی آن زمان در سرزمین‌های اسلامی و در عین حال نماینده یک جریان قدرتمند و موثر یعنی عقل‌گرایی در نخستین سده‌های اسلامی محسوب داشت. در مورد انتساب اخوان‌الصفاء، بسیاری از محققان آنان را اسماعیلی مذهب می‌دانند. مهم‌ترین دلیل پژوهشگران مزبور، مشابهت و ارتباط محتوای رسائل با نوشته اسماعیلیان به ویژه فاطمیان و نیز استقبال اسماعیلیان از رسائل است.

متأسفانه در مورد اندیشه‌های سیاسی و نحوه نگرش آنان به قدرت تاکنون پژوهش و چندانی صورت نگرفته است، کم توجهی به اندیشه سیاسی در رسائل اخوان‌الصفاء تاکنون بیش از هر چیز معلول این واقعیت است که موضوعات و مباحث سیاسی رساله‌ها بسیار پراکنده و نامنظم است و در قیاس با دیگر مباحث موجود در رساله‌ها از نظم و انسجام چندانی برخوردار نیست و البته نباید نقش پنهان‌کاری نویسندگان رسائل را در بیان صریح، روشن و مفصل آرا و عقاید سیاسی آنان نادیده گرفت.<sup>(۲)</sup>

اندیشه‌های سیاسی اخوان‌الصفاء با ابتدای بر فلسفه انسان‌شناسی و هستی‌شناسی خاص آنان طرح و ارائه شده است. مضامین ارائه شده توسط اخوان‌الصفاء بیانگر تاثیر فارابی خصوصا فلسفه سیاسی او به اندیشه‌های آنان است فارابی که ترکیبی از مکتب افلاطونی و ارسطونی به‌ویژه تفسیر نو افلاطونی مکتب اسکندریه با عقاید اسلامی و شیعه را تدارک دید، تلاش کرد تا نظریه‌ای منسجم در زمینه خداشناسی و خلقت ارائه کند. او همین روش را در مباحث مربوط به جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، نبوت، امام‌شناسی و اخلاق نیز به کاربرد و از جمله نخستین مباحث فلسفی را درباره سیاست و حکومت عرضه کرد. بر این اساس فارابی علاوه بر نقش پیشگامی، تاثیری تعیین‌کننده ایی در مباحث دیگر فیلسوفان مسلمان بعد از خود و همچنین نویسندگان رساله‌های اخوان‌الصفاء بر جای گذاشته است.<sup>(۳)</sup>

محتوای رسائل و زمان تدوین آنها این احتمال را تقویت کرده است که نگارش و یا دست کم طرح ایده‌ها و موضوعات رسائل حاصل کار جمعی بوده است. چرا که در آن دوران تشکیل انجمن‌ها و گروه‌های علمی و فلسفی رایج بوده است و دیگر آنکه تنوع و سطح علمی مطالب و موضوعات مطرح شده در رسائل تعلق آن را به یک فرد آن هم ناشناس و گمنام دور از ذهن کرده است.

اینکه اخوان‌الصفاء با چه اهدافی به نگارش رسائل پرداخته‌اند. در میان محققان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از اهداف علمی و اخلاق تربیتی و برخی نیز به اهداف سیاسی آنان اشاره کرده‌اند.<sup>(۴)</sup>

جهان‌شناسی اخوان‌الصفاء بشدت متأثر از نظریه وحدت وجود است. این نظر علاوه بر برداشت توحیدی اخوان‌الصفاء متأثر از مکاتب فیثاغورثی و نو افلاطونی بود. از میان نحله‌های فکری یونان، مکتب فیثاغورثی بیشترین تاثیر را بر آرا و عقاید اخوان‌الصفاء داشته است.

پیروان فیثاغورث تعصبات شدیدی به رهبر خود داشتند و او را تاحد خدایی که به صورت انسان در آمده است بالا برند. آن‌ها در زمینه‌های گوناگون علوم بویژه ریاضیات، هیات، موسیقی به فعالیت پرداختند و پیشرفت‌ها و ابداعاتی در این علوم داشتند. آن‌ها این پیشرفت را به استاد مراد خود فیثاغورث نسبت دادند. چرا که برای او انفساس قدسی قائل بودند.<sup>(۵)</sup> اخوان‌الصفاء عقاید فیثاغورثیان را در جهان‌شناسی خویش به کار بستند. آنان هم

در زمینه روش شناسی به ویژه در بهره گیری از مفهوم عدد و موسیقی برای توضیح جهان و هم در زمینه تلفیق علم با اخلاق و گرایش‌های عرفانی، شدیداً را تحت تاثیر این عقاید برآورد. فراغورث در وصیت‌های طلایی یا به قول اخوان، وصیه‌الذمیه خود می‌گفت اگر خداوند بخواهد خواهی دانست که طبیعت در هر چیز یکسان است.<sup>(۶)</sup> در شناخت سرچشمه‌های جهان شناسی اخوان به جز آبشخورهای فکری و فلسفی آنان می‌بایست به ویژگی سیاسی و ایدئولوژیک این انجمن نیز توجه داشت. اصولاً چه در ادوار کهن و چه در ادوار جدید، گروه‌هایی که اهداف و آرمان‌های اجتماعی و سیاسی را با بهره‌گیری فلسفه و عرفان دنبال کرده‌اند. کم و بیش از نگرش وحدت و وجودی سود برده‌اند.<sup>(۷)</sup> کاربرد دو مفهوم انسان‌کبیر و عالم صغیر در رسائل به خوبی رابطه جهان‌شناسی اخوان با انسان‌شناسی آنان را نشان می‌دهد. در نظر اخوان‌الصفاء از میان همه موجودات و خلایق آنچه بیش از همه نمونه یک تمثیل از سراسر عالم است، انسان است. به عبارت دیگر انسان، عالم صغیر است و عالم انسان کبیر، آنان عالم علوی (عالم معنا و روح) را به انسان کل تعبیر کرده و عالم سفلی (عالم تحت القمر و کون و فساد) را انسان جزئی می‌شمرند، انسان کلی در نظر آنان، همان مفهوم انسان کامل عرفان است و انسان واقعی وصف بین این دو حالت دارد. و از طبع هر دو بهره‌ای برده است. و چون انسان آخرین محصول خلقت است، مجموعه پیچیده‌ای از ویژگی‌های موجود است و مخلوقات مقدم بر خود است. «انسان صورت مختصری از جمع صور و مزاج‌های حیوانی، گیاهی، معدنی است.»<sup>(۸)</sup> انتساب ویژگی‌ها و مراتب نفس انسانی به نفوس مقدم به انسان اینگونه است. «بدان‌ای برادر که اخلاق و قوای انسانی، برخی منسوب به نفس نباتی، برخی منسوب به نفس حیوانی و برخی منسوب به نفس انسانی و برخی منسوب به نفس عاقله و برخی منسوب به نفس ناموسیه ملیکه است.»<sup>(۹)</sup>

اخوان سیاست و میانی قدرت را از بحث مراتب نفوس آغاز می‌کند و سیاست و پدیده‌های آن را ناشی از نفس حیوانی می‌داند که در انسان نیز موجود است. به نظر آنان پدیده‌های سیاسی با تمایلاتی چون قدرت طلبی، قهر، غلبه، جنگ، صلح، فرار و حيله و غیره ارتباط دارند و این تمایلات مختص نفس حیوانی است.<sup>(۱۰)</sup> هرچند از دیدگاه آنان سیاست و غرض از آن صلاح و خیر موجودات و حفظ آن‌ها در بهترین حالات و بالاترین

نمایات است.<sup>(۱۱)</sup> اخوان‌الصفا در مورد دایره عمل انسان به اراده مستقل بشری به عنوان منشاء بسیاری از کارها و رفتارهای بشر اعتقاد دارند. هر چند معتقدند که اراده بشری کاملاً تحت اختیار او نیست، بلکه تحت تاثیر چیزهای طبیعی مانند جغرافیا و تاثیرات افلاک و ستارگان و همچنین طبایع و مزاج‌های افراد است. اما نقش اصلی از دیدگاه آن مفهوم طلب و تاکید بر تمایل خواست انسانی در امور است و بر اهمیت تعلیم و تربیت و دانش و تاثیرات آن بر اخلاق و رفتار و سرنوشت بشری تاکید می‌کند.<sup>(۱۲)</sup> همچنین آنان انسان را اصالتاً موجود اجتماعی معرفی می‌کنند، چرا که "اگر زندگی و نجات در تنهایی ممکن بود، خدای تعالی ما را به همکاری (تعاون) امر نمی فرمود."<sup>(۱۳)</sup> در تقسیم طبقات آنان اعضای جوامع انسانی را بر مبنای عوامل معرفتی، ۱- طبقات عامه، شامل زنان، کودکان و نادانان ۲- طبقات خاصه، شامل علما و حکمای رشد یافته و عمیق، ۳- طبقات متوسط که بین این دو قرار دارند تقسیم می‌کنند.<sup>(۱۴)</sup> در واقع این نوع تقسیم بندی نوعی نگاه نخبه گرا به جوامع است و نحوه نگرش آنان به زنان نیز بیانگر نوعی نگاه به منفی به جایگاه زنان است که حکایت از شرایط زمانه نیز دارد.

### نظریه ادوار و اکوار

اخوان‌الصفا متکی بر نظریه ادوار و اکوار، نظام مطلوب سیاسی خود را استخراج می‌کنند. در جهان شناسی اخوان بر خلاف جهان شناسی ارسطو (مشائی) مسئله جدائی محرک و متحرک جایگاهی ندارد. به عبارت دیگر آنان همه جهان را زنده و در حال حرکت و تغییر می‌دانند. «در این عالم هر لحظه صورت‌های جدید بر ماده اضافه می‌شود. هرگاه این صورت جدید برتر از صورت قبلی باشد، آن را "کون" گویند و اگر فروتر از صورت قبلی باشد آن را فساد گویند. البته "فساد" شکل و صورت موجودات را شامل می‌شود و دگرگون می‌کند و شامل ماده اصلی و جوهر آنان نمی‌شود.»<sup>(۱۵)</sup> براین اساس از نظر اخوان، کون و فساد در همه جنبه‌های حیات در کره خاکی اعم از جماد، نبات، حیوان و انسان چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی و همچنین از نظر نهادها و تاسیسات اجتماعی و سیاسی دائماً در جریان است.<sup>(۱۶)</sup> در این مقدمات نظریه اکوار و ادوار خود را توضیح می‌دهند. اعتقاد آن به عالم فلکی بر عالم خاکی است. لذا افلاک را علت حرکت و تغییر

در عالم خاکی تلقی می‌کنند و حرکت افلاک نیز خصلتی ادواری دارند. بطور مثال طولانی‌ترین قران، قران کواکب نایبه در فلک بروج است که هر سی و شش هزار سال یکبار اتفاق می‌افتد بر اثر این قران، آبادانی و حیات بشری در سطح زمین جابجا می‌شود. قران متوسط که هزار سال یکبار اتفاق می‌افتد و بر اثر آن تمدن‌ها و دین‌ها جابه‌جا می‌شود و از قومی به قوم دیگر منتقل می‌شوند و قران‌های کوتاه که هر دویت و چهل سال رخ می‌دهد حکومت و دولت از قومی به قوم دیگر و از شهری به شهر دیگر منتقل می‌شوند و سرانجام قران‌های بیست ساله که در ضمن آن جنگ‌ها و آشوب‌ها به وقوع می‌پیوندد و حکومت از امیری به امیر دیگر منتقل می‌شود.<sup>(۱۷)</sup> اخوان‌الصفایا طرح مکرر بحث ادواری تاریخ و جابجایی مدام عقاید، مذاهب، دولت‌ها و حکام زمینه را برای طرح نظریه استقرار دولت نیکوکار و تشکیل جامعه و حکومت کمال مطلوب خویش فراهم می‌سازند.<sup>(۱۸)</sup> پس حکم زمان در دولت نیکوکاران و دولت بدکاران نیز چنین است. زمانی دولت و قدرت در جهان از آن نیکوکاران باشد و گاه دولت و خدمت و ظهور افعال در جهان از آن بدکاران باشد.<sup>(۱۹)</sup>

"با این مقدمات اخوان‌الصفایا به تصویر ویژگی‌ها و خصوصیات قدرت و حاکمیتی می‌پردازد که رسالت آن را به عهده خود می‌داند:

بدان ای برادر که دولت نیکوکاران از گروه دانشمندان و حکیمان و نیکوکاران و فضلا آغاز می‌شود که بر محور اندیشه ای واحد گرد آمده‌اند و بر مذهب و دین واحد اتفاق دارند و بین خود میثاق بسته‌اند که با یکدیگر جدل نکنند و از یاری یکدیگر دریغ نورزند و... تو ای برادر نیکوکار آیا تمایل نداری که به جمع برادرانی بیبندی که خیر خواهی و راستی، صفت آنان است.<sup>(۲۰)</sup>... و بدانید که آغاز دولت نیکوکاران از اقوامی نیکوکار و فاضل بنیاد می‌گیرد که در شهری انجمن می‌کنند و بر یک رای متفق می‌شوند. پس از آنچه شما را با خبر کردیم، شادمانی کنید و به خدا امیدوار باشید که شما را نصرت می‌دهد.<sup>(۲۱)</sup>

اخوان‌الصفایا وارد بحث مبانی سیاست و قدرت می‌شود. از دیدگاه آنان انسان برای دفع ضرر و همچنین میل به ریاست به سیاست رجوع می‌کند.

بان ای برادر که دفع ضرر، گاه از طریق قهر و غلبه گاه با پرهیز و فرار، گاه با پنهان شدن و نهان کاری و گاه با مکر و حيله امکان پذیر می شود و در عین حال میل به ریاست در سرشت این موضوع نهفته است. چرا که سیاست فقط با ریاست امکان پذیر است.<sup>(۳۳)</sup> آنان متأثر از فارابی سیاست را یکی از شاخه های الهیات که آن نیز از شاخه علوم فلسفه است بر می شمردند و انواع سیاست را به سیاست نویه، سیاست ملکیه (پادشاهی)، سیاست عامیه، سیاست خصوصیه و سیاست ذاتیه (شخصی) تقسیم می کنند.

از دیدگاه آنان غرض از سیاست واقعی عبارت از خیر و صلاح موجود است و حفظ آن ها در بهترین حالات و کاملترین غلیات.<sup>(۳۴)</sup> آنان ویژگی ها اشکال سیاست ها را بازگو می کنند بطور مثال در اثر سیاست پیامبری، وضع قوانین (نوامیس) و آرا و عادات زیبا و اعمال پاک و اخلاق پسندیده ایجاد می شود و در سیاست پادشاهی که به جانشینان پیامبر و ائمه هدی تعلق دارد، منجر به حفظ شریعت و احیای سنت در میان امت از طریق امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود و تنفیذ احکام، جلوگیری از ظلم و ستم بر مردم و قلع و قمع دشمنان و یاری نیکوکاران می شود. سیاست عمومی، چگونگی ریاست بر جماعت است و شامل راه و رسم فرمانروایی شهریاران بر شهرها و فرمانروایی دهقانان بر روستاها و فرمانروایی امیران و فرماندهان، لشکر و مستلزم شناخت فرمانبران از لحاظ موقعیت ها و سنت ها و مذهب و پیشه ها و حرفه ها و اخلاق و چگونگی تنظیم مراتب آنان است.<sup>(۳۵)</sup> اخوان ضمن تاکید بر ضرورت حکومت که آن را منجر به ضرورت حفظ دین و اقامه احکام به منظور دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی انسان می دانند. متفاوت از نگرش اسماعیلی تاکید می کند رئیس باید متکی بر اصول مورد قبول جماعت باشد تا حکم او در بیان آن جماعت روان گردد و بدین ترتیب نظامشان حفظ گردد.<sup>(۳۶)</sup> بر این اساس اخوان تاکید می کند در واقع مقبول رئیس عامل لازمه اقتدار اوست. در رسائل حکومت ها به خوب و بد و اینکه آیا رابطه آن ها زور و غلبه و یا عدل و احسان است تقسیم می شوند.

پس بدان که ریاست دو نوع است، ریاست جسمانی و ریاست روحانی، ریاست جسمانی همانند ریاست ملوک و جبابره است که در این نوع ریاست سلطان فقط بر اجسام و اجساد، با قهر و غلبه و ظلم و جور حکومت می کند و مردم را در جهت منافع دنیوی و شهوات و امیال و غرور خویش، به زور به فرمانبرداری و استخدام خود در می آورد. اما

سیاست روحانی همانند ریاست صاحبان شریعت هاست. یعنی کسانی که با عدل و احسان بر نفوس و ارواح حکومت می کنند و آن را در جهت حفظ شریعت و برپاداشتن سنت‌ها به کار می گیرند و فرمانبری مردم از آن‌ها مبتنی بر اخلاص و تعیین در جهت نیل به ثواب و رحمت و نجات و رستگاری در معاد است.<sup>(۲۶)</sup> اخوان در جای دیگر با طرح بحث ضرورت وجود امام و رئیس، خلافت را همان حکومت می داند. و با ارائه دو نوع حکومت "خلافت النبوه و ملکی"، وضع مطلوب را ترکیب این دو نوع خلافت می داند و همانند بحثی که در سیاست نامه‌ها و اندرزنامه‌ها آمد، ضرورت توأم بودن دین و دولت را با گفته ایی منسوب به اردشیر بابکان ارائه می دهند. "همانگونه که پادشاه پارس، اردشیر بابکان در وصیت خود گفته است، دین و ملک دو برادر همزادند که یکی بدون دیگری قوام نخواهد داشت. دین اساس ملک است و ملک حافظ دین آنچه اساس ندارد از بین خواهد رفت و آنچه حفاظ ندارد ضایع خواهد شد."<sup>(۲۷)</sup> حکومت اخوان‌الصفا در ساله بیست و دوم (رساله جانور شناسی) به نقد اساسی حکومت‌های موجود خصوصاً خلافت عباسی در قالب داستان می پردازند و این حکومت‌ها را جابراجه می نامند:

اینا خلفای شما که گمان می کنند وارثان پیامبران علیه السلام هستند. در حق آن‌ها آن چه پیغمبر فرموده کافی است که نبوتی نیست که یک نظام جبارانه آن را منسوخ نکرده باشد. اسم خود را خلیفه یعنی جانشین پیغمبر گذاشته و روش جبارانه را اختیار کردند. از منکرات نهی می کنند اما منکری نیست که خود مرتکب نشوند. اولیای خدا و اولاد پیامبر را می کشند، شراب می خورند و بندگان خدا را بردگان و ریاست عامه را دولت (مال و مکت) و اموال عمومی را به خالصه خود تبدیل می کنند.<sup>(۲۸)</sup> و نیز در مورد فقها و عالمانی که آنان را تائید می کنند می نویسد:

اما فقها و علمای شما همانانی هستند که اگر در امر دین تفقهی دارند، برای طلب دنا و رسیدن به ریاست و ولایت و قضاوت و مقام، تواست ... حقیقت احکام خدا را متروک می دارند و آیات محکم را دور می اندازند در همه این اعمال و افکار سوء فقط یک منظور دارند و آن ریاست طلبی است.<sup>(۲۹)</sup> و در نهایت با زبان تمثیل حکومت‌های موجود را اعم از خلافت و پادشاهی را به چالش‌های جدی می کشند:



پادشاهان ایشان، فقط زمانی که پای منافع و دفع ضرر خود آنان با کسان و نزدیکان و معجریانشان مطرح باشد، در امر رعیت و لشکر و کارگران نظر می‌اندازند. این پادشاهان در امر کشور داری و سیاست و اجرای عدالت از پادشاهان حیوانات نظیر پادشاه مورچگان و زنبور عسل نیز بسیاری کفایت تر هستند.<sup>(۳۰)</sup>

اخوان در مباحث حکومت بر تقدم نبوت بر امامت تاکید می‌کنند.<sup>(۳۱)</sup> صراحت و تاکید اخوان بر اینکه بدون شناخت خصال نبی شناخت امام امری باطل و بیهوده است، نشان می‌دهد که اخوانالصفا می‌خواهند مرزبندی خود با گرایش‌های غالی شیعی نظیر کیسانیه و حتی با اسماعیلیه را اعلام کنند. بر این اساس اندیشه‌های اخوان، پیش از تاکید بر امام، شریعت یعنی نوامیس و قوانین شرعی الهی اولویت و مرکزیت پیدا می‌کند.<sup>(۳۲)</sup>

از ابترو اخوان تشکیل حکومت مطلوب را مبتنی بر تحقق دین اعلام می‌کند و بدان ک. فصد خدای تعالی از اضافه کردن پادشاهی و نبوت، ترویج اولویت دنیا در قیاس آخرت نبوده است. بل اراده خداوندی به جمع دین و دنیا برای امت بوده و هدف اول نیز دین است و پادشاهی وسیله ای برای این هدف است به علاوه، حکومت و پادشاهی جز بر مبنای دین فقط بر مبنای غلبه و زور خواهد بود و همانند حکومت فرعون و موجب عذاب دردناک خواهد شد.<sup>(۳۳)</sup> ... بدان که غرض از پادشاهی حفظ ناموس است (شریعت) تا اینکه نا موسی به واسطه ترک آن کهنه و منسوخ شود. چرا که اگر ترس از سلطان نباشد، بیشتر آهل شریعت خواه شریعت نبوی و خواه شریعت فلسفی از پذیرش و اجرای احکام و حدود ناموس خودداری و غفلت می‌کنند و از او امر و نوامی آن تبعیت نمی‌کنند.<sup>(۳۴)</sup>

اخوان در رساله چهل و دوم از مجموعه رسائل به بحث رهبری سیاسی و وظایف آن می‌پردازند:

بدان که همه امت به ضرورت وجود امام به منظور جانشینی پیامبر، بعد از وفات او متفق القولند و این اتفاق ناشی از ضرورت و احیای سنت میان امت است و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر و جمع آوری خراج و مالیات و تقسیم آن بین لشکریان اسلام و حفظ مرزهای مسلمین است.<sup>(۳۵)</sup>

اما علیرغم طرح مباحث مختلف در مورد امام و اختلاف میان فرقه‌ها و مذاهب در این زمان، اخوان به صراحت نظر روشن خود را در مورد موقعت و ماهیت امام بیان نمی‌

کنند و صرفاً به این مبحث می‌پردازند که امامت همان خلافت است و خلافت دو نوع نبوی و پادشاهی است. مارکه معتقد است که اخوان‌الرضا عمداً نبوت را با امامت مخلوط کرده‌اند و سپس به جای این دو کلمه از کلمه واضح شریعت استفاده کرده‌اند تا به این وسیله، دکتربین اسماعیلی امامت خود را پنهان دارند.<sup>(۳۶)</sup> امامت رسائل اخوان‌الرضا با نظریه اسماعیلی امامت تا حدود زیادی فاصله می‌گیرد. همانگونه که آمد امامت در منظر اسماعیلیه از منظری کاملاً اقتدار گرایانه مورد پذیرش قرار گرفته است. اسماعیلیان اصالت و مرکزیت را نه فقط در حکومت بلکه در مباحثی نظیر ایمان که امام می‌دهند، استدلال آنان این است که پیامبر وحی الهی را به صورت ظاهری و در کلام معمول بیان می‌کند و امام روح و باطن آن را در می‌یابد. این در حالی است که امامت در مباحث اخوان‌الرضا از جمله در مباحث مربوط به حکومت آنان هیچ‌گاه جایگاه مرکزی ندارد. البته اخوان نیز همچون اسماعیلیان به ضرورت تاویل متون و نصوص دینی و درک باطن آن‌ها اعتقاد واحد دارند. اما این تاویل و درک را منحصر به امام نمی‌دانند. آنان بر خلاف اسماعیلیان که اصل امامت را از ضرورت تاویل و درک باطن دین استنتاج می‌کنند، از این ضرورت برای اثبات حجیت عقل و فلسفه و حکمت بشری سود می‌جویند اخوان‌الرضا حتی آنجا که به نقش امام به عنوان مجری و حافظ شریعت و متصدی امر حکومت و خلافت می‌پردازند موضعی بسیار ملایم و غیر اقتدار گرایانه دارند در حالی که امامت در نگاه اسماعیلیه کاملاً از منظری اقتدار گرایانه مورد پذیرش قرار گرفته است.<sup>(۳۷)</sup> با همین منظر است که آنان به امامت گروهی در صورت فقدان خود دارای شرایط نظر می‌دهند.<sup>(۳۸)</sup> و حتی گام بلند تریب می‌دارند و ابراز می‌کنند:

و بدان که هرگاه نیروی عقل عاقلان نیکوکار به کمک واضح شریعت قوت گرفت، دیگر نیازی به رئیس و سرپرست ندارند که بر آنان امر و نهی و حکم کند، زیرا در این صورت عقل و ناموس (شریعت) جانشین رئیس و امام می‌شود. بنابراین ای برادر بر ماست که از سنت شریعت پیروی می‌کنیم و در آنچه که عزم آن داریم، آن را امام خویش قرار دهیم.<sup>(۳۹)</sup> نکته مهم و مورد توجه آنان، اینکه اخوان توجه به مصلحت عمومی را از جمله ویژگی‌های ضروری حاکم می‌دانند. در واقع این ادبیات مفهومی است که کمتر در

متون سیاسی و فقهی گذشته با آن روبرو می‌شویم. "مفهوم صلاح الجمهور و نفع الهام" در ادبیات رسائل برای واضع شریف و کارگزاران آن آمده است:

بدان که از جمله ویژگی‌های واضع شریعت این است که برای مبلغان و کارگزاران خود سنت‌های حسنه‌ای وضع کند تا آنان با شیوه‌ای عادلانه آن را به پا دارند و روابط میان خود را بر اساس آن تنظیم کنند و در بکارگیری و اجماع آن سنتها، مصلحت عمومی و نفع عامه را در نظر داشته باشند.<sup>(۴۰)</sup> وظایف "والی" و امام از دیدگاه اخوان به شرح زیر است:

جمع آوری خراج، گرفتن زکوه و جزیه، توزیع در آمدها میان سپاهیان و اطرافیان، حفظ ثغور مسلمین و نگهداری قلمرو اسلام، جنگ با دشمنان، حفظ طرق و شوارع از راهزنان و قطاع الطریق، مخالفت با ستمگری ظالم و جلوگیری از تجاوز قدرتمندان به مظلومان، حقیقت و اجرای عدالت و انصاف در میان مردم، حل مشکلات و اختلافات فقها مانند حدود قصاص، نماز، اعیاد، حج، جنگ، تولیت و قضاوت.<sup>(۴۱)</sup>

و در نهایت اخوان الصفا با توجه به شرایط زمانه و حاکمیت غلبه بر مفدرات مسلمانان به طرح مدینه آرمانی خود می‌پردازند. در واقع در طرح مدینه فاضله بیش از آنکه امکان تحقق آن وجود داشته باشد، بیشتر نقد آشکار و یا تلویحی از وضعیت موجود حاکمیت‌های زمانه است. در مدینه فاضله اخوان الصفا که بیشتر مدینه فاضله روحانی است تاکید می‌شود که شایسته است اهل این مدینه، سیرت زیبا، کریم و نیکویی داشته باشند و بین خود بر اساس آن عمل کنند و شایسته است که سیره دیگری نیز داشته باشند که با آن با اهل مدینه این مدینه رفتار کنند. ولی شایسته نیست که بر روی زمینی بنا شود، چرا که اگر چنین شود، اخلاق اهل مدینه به مانند اخلاق اهل مدینه جائزه خواهد بود. اساس این مدینه به صدق در گفتار و تصدیق در قلب باشد و ارکان آن بر مبنای وفا و امانت داری یافته تا تداوم یابد و طوری باشد که هدف نهایی آن همانا خلود در نعیم باشد و هنگامی که از بنای این مدینه خارج شویم، مرکبی را که همانا کشتی نجات است بسازیم تا این کشتی به نقل اجساد استقرار یابد و مدینه جایگاهی برای ارواح باشد.<sup>(۴۲)</sup> مدینه فاضله اخوان دارای سلسله مراتبی به شرح زیر است:

همکاری اهل این مدینه بر اساس چهار مرتبه تنظیم یابد. اول مرتبه صاحبان صنایع دوم صاحبان ریاست ها، سوم مرتبه پادشاهان صاحب امر و نهی و چهارم مرتبه الهیون صاحب مشیت و اراده.<sup>(۴۳)</sup>

در واقع آنچه اخوان در مدینه فاضله پیشنهادی مطرح می کنند، بیش از آنکه طرح عملی برای برون رفت از ساخت متغلب جامعه خود باشد، طرح آرمانی و آرزو هایی است که در بستر فرهنگ اسلامی می بایست به آن جامعه دست یافت. بر این اساس آنچه که به شکل مدینه های دنیوی در گذشته و پس از آنان تحقق یافت، مانند فاطمیان مصر، قرامطه بحرین، آل بویه، نزاری های ایران نیز در متن و بطن خود هر چند روایت های مختلفی از حاکمیت مسلمانان (برخلاف روند موجود حاکمان) را ارائه کردند و شدت و ضعف امر غلبه در میان آنان متفاوت است، اما لاجرم به دلیل سبقت امر واقع بر نظریه ها و بسط قدرت متکی بر غلبه اقدام بدوی و فقدان توسعه خرد مدنی و مدنیت بر خاسته از عقلانیت فرهنگ اسلامی رهیافتی عملی برای خروج از بن بست اقتدار متکی بر غلبه و تولید نگر دید.

### نتیجه

اندیشه های سیاسی اخوان الصفا با ابتدای بر فلسفه ی انسان شناسی و هستی شناسی خاص آن طرح و ارائه شده است. مضامین ارائه شده توسط اخوان الصفا بیانگر تأثیر فارابی به یژه فلسفه ی سیاسی او بر اندیشه های آنان است. همچنین جهان شناسی اخوان الصفا به شدت متأثر از نظریه وحدت وجود است.

اخوان الصفا متأثر از فارابی، سیاست را یکی از شاخه های الهیات که آن هم از شاخه ی علوم فلسفی است، برمی شمرد و انواع سیاست را به سیاست نبویه، سیاست ملکیه (پادشاهان)، سیاست عامیه، سیاست خصوصیه و سیاست ذاتیه (شخصیه) تقسیم می کند. اخوان الصفا تشکیل حکومت مطلوب را مبتنی بر تحقق دین اعلام می دارد.

از سوی دیگر اخوان الصفا در مباحث حکومت بر تقدم نبوت بر امامت تأکید می کند و این بیانگر آن است که اخوان الصفا مرزبندی خود را با گرایش های غالی شیعه نظیر کیسانیه و حتی اسماعیلیه اعلام می دارد.

در نهایت اخوان الصفا با توجه به شرایط زمانه و حاکمیت غلبه بر مقدرات مسلمانان به طرح مدینه ی آرمان های خود می پردازد؛ در واقع طرح مدینه ی فاضله بیش از آنکه امکان تحقق آن وجود داشته باشد نقد آشکار از وضعیت موجود حاکمیت های زمانه است.

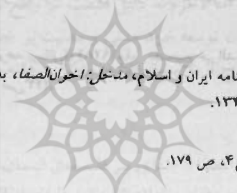
پی‌نوشت‌ها:

- ۱- دائرة المعارف تشیع (۱۳۷۵)، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، نشر شهید سعید محبی، ج ۲، ص ۲۹.
- ۲- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۴)، اندیشه‌های سیاسی اخوان‌الصفاء، تهران، موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ص ۲۰.
- ۳- ر.ک: دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۳۱ش)، اخوان‌الصفاء، برادران روشن، مجله مهر، سال هشتم، صص ۷، ۱۰، ۱۴، ۳۵۳، ۶۰۵ و ۷۰۹.
- ۴- ر.ک: حلی، علی اصغر (۱۳۶۰ش)، گزیده رسائل اخوان‌الصفاء، تهران، زوار، صص ۲۲-۲۳.
- ۵- روسو، پیر (۱۳۵۸ش)، تاریخ علوم، ترجمه: حسن صفاری، تهران، امیرکبیر، ج ۱، صص ۴-۵۱.
- ۶- نصر، سیدحسین (۱۳۷۷ش)، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، تهران، خوارزمی، ص ۶.
- ۷- دلاوری، ص ۱۱۹.
- ۸- اخوان‌الصفاء و خلائع‌الوفاء (مجموعه رسائل)، (۱۹۲۸م)، تصحیح خیرالدین زرکلی، قاهره، ج ۳، ص ۳۹۵.
- ۹- اخوان‌الصفاء و خلائع‌الوفاء، ج ۱، ص ۲۴۳.
- ۱۰- پیشین، ج ۱، ص ۲۴۳.
- ۱۱- پیشین، ج ۱، ص ۲۴۳.
- ۱۲- پیشین، ج ۳، ص ۲۴۳.
- ۱۳- پیشین، ج ۲، صص ۸۷.
- ۱۴- پیشین، ج ۲، ص ۵.
- ۱۵- همانجا.
- ۱۶- همانجا.
- ۱۷- پیشین، ج ۱، صص ۱۰۹ و ۱۰۵؛ ج ۳، صص ۲۵۹-۲۵۵.
- ۱۸- دلاوری، ص ۱۴۷.
- ۱۹- اخوان‌الصفاء و خلائع‌الوفاء، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱.
- ۲۰- پیشین، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱.
- ۲۱- پیشین، ج ۴، ص ۲۲۵.
- ۲۲- پیشین، ج ۱، ص ۲۴۱.
- ۲۳- پیشین، ج ۳، ص ۲۴۳.
- ۲۴- پیشین، ج ۱، صص ۲۰۷-۲۰۹.



شهرستان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

- ۲۵ - پیشین، ج ۴، ص ۱۸۱.
- ۲۶ - پیشین، ج ۴، صص ۱۸۱-۱۸۲.
- ۲۷ - پیشین، ج ۴، صص ۳۰-۳۳.
- ۲۸ - پیشین، ج ۴، صص ۳۰۲-۳۰۳.
- ۲۹ - پیشین، ج ۴، ص ۳۰۲.
- ۳۰ - پیشین، ج ۴، صص ۲۰۱-۲۰۲.
- ۳۱ - پیشین، ج ۴، ص ۳۱.
- ۳۲ - دلآوری، ص ۱۷۸.
- ۳۳ - اخوان الصفا و خلان الوفا، ج ۴، ص ۳۴.
- ۳۴ - پیشین، ج ۱، ص ۲۲۳.
- ۳۵ - پیشین، ج ۴، صص ۳۰-۳۳.
- ۳۶ - مارکه، ایو (۱۳۶۰ش)، دانشنامه ایران و اسلام، مدخل: اخوان الصفا، به کوشش احسان یارشاطر، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۳۴۵.
- ۳۷ - پیشین، صص ۱۹۰-۱۹۲.
- ۳۸ - اخوان الصفا و خلان الوفا، ج ۴، ص ۱۷۹.
- ۳۹ - پیشین، ج ۴، ص ۱۸۹.
- ۴۰ - پیشین، ج ۴، ص ۱۸۸.
- ۴۱ - پیشین، ج ۳، ص ۴۹۴.
- ۴۲ - پیشین، ج ۴، ص ۲۲۰.
- ۴۳ - پیشین، ج ۴، ص ۲۷۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی